



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206

Tags: American Language Course, UNIT 2206, Glossary

Repair shop	تعمیر گاه	To be afraid	ترسیدن
No credit!	نسیه ممنوع!	He is afraid to swim.	او از شنا کردن می ترسد.
I'd like to get this radio fixed.	می خواهم بدم این رادیو تعمیر بشه. (ساختار سببی)	A long time ago	خیلی وقت پیش
I'd like to have this radio repaired.	می خواهم بدم این رادیو تعمیر بشه. (ساختار سببی)	Actually	در واقع، راستش رو بخواهی
What seems to be the trouble?	مشکل چیه؟	That suit seems to fit you well.	آن کت و شلوار انگار خوب اندازهات هست.
Knob	پیچ ولوم رایو یا تلویزیون، دستگیره در	Really	واقعاً
Selector	انتخاب کننده، گزینش گر	Not really	نه والا، اینطور نیست.
Dial	صفحه	Jacket	کاپشن
Selector dial	پیچ رادیو که با آن کانالهای مختلف را انتخاب می کنند.	Sport jacket	کت تک، کت اسپرت
If that is all that's wrong, it's not in very bad shape.	اگر همه مشکل این باشد، زیاد وضعیتش بد نیست.	Coat	پالتو
Volume	حجم مایعات، میزان بلندی صدا و وسایل صوتی و تصویری	Tight	تنگ، کم جا
Fluctuate	بالا و پایین رفتن، نوسان کردن	Behind = in back of	پشت، در عقب
Static	ایستا، ثابت و بدون حرکت، پارازیت رادیو و تلویزیون	Oral	شفاهی
Well I'll see what I can do with it.	بسیار خوب، بذار بینم چکارش می تونم بکنم.	Vice versa	برعکس
Guarantee	تضمین کردن، گارانتی کردن	Western Union is in back of building 1000.	[خدمات مالی و صرافی] وسترن یونیون در پشت ساختمان [شماره] ۱۰۰۰ است.
Dictation practice	تمرین املاء	Fire wall	سد آتش، دیوار نسوز، دیواره‌ی جلوگیری از ورود حرارت موتور به داخل اتاق خودرو
Mechanical	مکانیکی	The fire wall is behind the engine.	دیواره‌ی جلوگیری از ورود حرارت موتور به داخل اتاق خودرو پشت موتور قرار دارد.
Electrical	برقی، الکتریکی	Back seat	صندلی عقب خودرو
Item	جنس	Front seat	صندلی جلوی خودرو
Merchandise	کالا، جنس	In back of = in the back part of	پشت، در بخش عقب
Run out	تمام شدن، به پایان رسیدن	Pickup truck	وانت بار
Absolute	مطلق، کامل	Have a look at = Take a look at	نگاهی انداختن به ...
Absolute guarantee	گارانتی کامل، گارانتی بدون قید و شرط	Mis	پیشوند به معنی اشتباه
As a matter of fact	در واقع، در حقیقت	misfire	به موقع استارت نزدن، بد روشن شدن (خودرو)
To tell the truth	راستشو بخواهی، در واقع، در حقیقت	In bad shape	در وضع بد، خراب، داغون
Dull	کسل کننده، مزخرف، ناجالب، بی سر و ته	John has been sick for a week; he's in bad shape.	جان یک هفته است که مریضه؛ اوضاعش خرابه.
It's the dullest book I ever read.	این مزخرفترین کتابی است که تا کنون خواندم.	Over	پیشوند به معنی زیادتر از حد
Afraid	ترسیده، ترسان	Overheat	زیادی داغ کردن



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206

Tags: American Language Course, UNIT 2206, Glossary

This machine has been overheated. It's in pretty bad shape.	این دستگاه زیادی داغ کرده. وضعیت خیلی داغونه.	Record	صفحه گرامافون
Total	مجموع، کُلّ	Play	پخش کردن (موزیک)
Totally	مجموعاً، کلاً	Player	پخش کننده
Inaccurate	غیر دقیق، اشتباه	Record player	دستگاه پخش صفحه گرامافون
Alfred's reports are in bad shape; they're totally inaccurate.	گزارشهای آلفرد وضع نامناسبی دارند؛ آنها کلاً اشتباه هستند.	Sound	صدا دادن
Clock radio	رادیو ساعتی	It doesn't sound right.	[گرامافون] درست صدا نمی‌ده. صداسش درست در نمیاد.
Out of order	خراب شده	What needs to be done to this suit?	چه کاری باید انجام بشه روی این کت و شلوار؟ مشکل این لباس چیه؟
My clock radio is out of order.	رادیو ساعتی من خرابه.	I lost a button from the coat.	یک دکمه از کت را گم کردم.
My radio is in bad shape.	رادیوی من خرابه	Press	اتو کردن، صاف کردن لباس
This typewriter needs fixing.	این ماشین تحریر نیاز به تعمیر دارد.	The suit needs to be pressed.	کت و شلوار نیاز به اتو شدن دارد.
This washing machine still has the guarantee on it.	این ماشین لباسشویی هنوز گارانتی داره.	Picture tube	لامپ تصویر (در تلویزیونهای قدیمی)
Something's the matter with the TV set.	تلویزیون یه چیزش هست. (خرابه)	Condenser	کندانسور، چگال‌گر (یک قطعه الکترونیکی که در تلویزیونهای لامپی قدیمی به کار می‌رفته است).
Plumber	لوله کش	Replace	تعویض کردن
Faucet	شیر آب	Run	قیمت داشتن، هزینه داشتن
Leak	چکه کردن، نشت کردن	It will run around seventy or eighty dollars, plus labor.	آن حدود ۷۰ تا ۸۰ دلار هزینه خواهد داشت، بعلاوه‌ی دستمزد.
Doorbell	زنگ در حیات	Fountain pen	خودنویس
Repetition	تکرار	It isn't worth it.	نمی‌ارزه.
Wrong	خراب، معیوب	Plant	کارخانه، مجتمع تولیدی
What seems to be wrong with your watch?	ساعت شما چه مشکلی دارد؟ خرابی ساعت مچی شما چیست؟	Electric power plant	نیروگاه [تولید] برق
It's always fast.	[ساعت] همیشه جلو است.	Out of order	خراب
Gain	به دست آوردن، اضافه کردن	The brakes are out of order.	ترمزها خراب هستند.
It gains about seven minutes every day.	[ساعت] هر روز حدود ۷ دقیقه جلو می‌ره.	Ranch	مزرعه بزرگ
Tube	لامپ الکترونیکی که در رادیوهای قدیمی به کار می‌رفته است و به آن field tube نیز گفته می‌شود.	Missile	موشک
Burn out	سوختن قطعه برقی	Launch	پرتاب کردن (موشک)
I think one of the tubes is burned out.	فکر می‌کنم یکی از لامپ‌ها سوخته است.	Missile launching	[عملیات] پرتاب موشک
		I'd like to see a missile launching.	دوست دارم پرتاب موشک را ببینم.
		Idiom	اصطلاح، واژه
		Idiomatic	اصطلاحی



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206 **Tags:** American Language Course, UNIT 2206, Glossary

Expression	بیان، عبارت	Make progress	پیشرفت کردن
Wide awake	کاملاً بیدار و هشیار	Toward = towards	به سوی، در جهت، به طرف
Keep up with	پا به پای کلاس رفتن، عقب نیفتادن (از درس و کلاس)	Improve	بهبود یافتن، بهتر کردن
Fall behind	عقب افتادن (از درس و کلاس)	Highway	اتوبان
Horse around	وقت تلف کردن	Set up	تنظیم کردن، قرار دادن، گذاشتن
Isn't he horsing around too much?	آیا او زیاد در حال وقت تلف کردن [او بازیگوشی] نیست؟	Strict	سختگیرانه، شدید
Drop	انداختن	Control	بازبینی، واریسی، کنترل
Looks like you dropped it.	به نظر می‌رسد شما آنرا [بر زمین] انداخته باشید.	While	اگرچه، با وجود اینکه
Put back	برگرداندن به	Desire	خواستن، طلب کردن، آرزو داشتن
Just the same	با این حال، در هر حال	Sight	بینایی، رؤیت، بینش، بصیرت
Here (Interj.)	ببین، راستی (حرف ندا)	In sight	نزدیک، قریب الوقوع
Stub	ته قبض رسید، ته چک	Victory is in sight.	پیروزی نزدیک است.
Here, don't forget to take your stub.	راستی، فراموش نکن که ته قبضتو ببری.	Improved	بهبود یافته
He said he'd do the best he could.	او گفت که حداکثر کاری که بتونه می‌کنه.	Offer	تقدیم کردن، عرضه کردن، ارایه کردن
Overhaul	اورهال، تعمیر اساسی و کلی	Hope	امید
Safety (n.)	ایمنی، صحت و سلامت	Factor	عامل، مؤلفه
Driving safety	ایمنی رانندگی	Whether ... or	خواه ... یا
Comparatively	نسبتاً	Whether a person is driving slow or fast.	خواه یک فرد در حال رانندگی با سرعت کم باشد یا زیاد.
Primarily	عمدتاً	Occur	اتفاق افتادن
Pleasure	لذت و تفریح	Stall	متوقف شدن، ایستادن
Mainly	اصولاً	Response	پاسخ، عکس العمل
Harmless	بی ضرر	Depress	فشار دادن
Luxury	تفنن، دل خوشی	Step on	پا گذاشتن روی (ترمز)
Means	ابزار، وسیله	Requirement	لازمه، الزام، نیاز
Transportation	حمل و نقل	Then	در آن زمان
Involve	درگیر شدن، گرفتار شدن، دچار شدن	Unit	واحد، بخش
To be involved in	درگیر بودن در، گرفتار بودن در، دچار شدن در	Entire	کل، تمام، همه
Daily (Adv.)	بطور روزانه	Function	عمل کردن، کار کردن
Safe (adj.)	امن، ایمن، صحیح و سالم	Properly	بطور صحیح، بطور درست
		That is (to say)	به عبارت دیگر، این بدان معنی است که
		Mechanical (adj.)	مکانیکی، وابسته یا مربوط به وضعیت مکانیکی
		Of	دارای



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206

Tags: American Language Course, UNIT 2206, Glossary

Equal	برابر، یکسان	Determine	تعیین کردن، تصمیم گرفتن
Importance	اهمیت	Dangerous	خطرناک
Of equal importance are the human factors.	عوامل انسانی [نیز] دارای اهمیت یکسانی هستند. عوامل انسانی از اهمیت یکسانی برخوردار هستند.	Situation	وضعیت، موقعیت، حالت
Instance	نمونه، مثال، مورد، مصداق	Likely	محتمل
For instance	به عنوان نمونه	Develop	توسعه یافتن، اتفاق افتادن
Signal	علامت	While	در هنگام
Move	جا به جا شدن	Just as	درست همانند، مثل
Lane	راه، مسیر، هر یک از باندهای اتوبان یا خیابان	Look ahead	به جلو نگاه کردن
Traffic	عبور و مرور، رفت و آمد	Act	اقدام کردن، عمل کردن
Make turns	دور زدن	Rate	سرعت
Open highway	اتوبان بین شهری، آزاد راه	General	عمومی
Over	پیشوند به معنی زیادی	Traffic policeman	پلیس راهنمایی و رانندگی
Overemphasize	بیش از حد تأکید کردن	Patrolman	مأمور گشت
Warn	هشدار دادن	Scene	صحنه، سن (در تئاتر و...)
Warning	هشدار	Authority	اجازه
Intend to	قصد داشتن، نیت داشتن	Considerable	قابل ملاحظه، چشمگیر
Naturally	طبیعتاً، بطور طبیعی	Save	نجات دادن
Proceed	ادامه دادن	Mainly	عمدتاً، بطور عمده، اصولاً
Blink	چشمک زدن (چراغ)	Consider	در نظر گرفتن، ملاحظه کردن
In addition	بعلاوه	The safety factors were not considered.	عوامل ایمنی در نظر گرفته نشده بودند.
Familiar	آشنا	Invert	معکوس کردن، وارونه کردن
To be familiar with	آشنا بودن با	Laundry	خشک شویی، لباسشویی
Sign	علامت	Basement	زیر زمین، طبقه زیرزمین
Warning signs	علائم هشدار	File	پرونده، زونکن
Side	کنار، کناره	Cabinet	قفسه، کابینت
Result from	ایجاد شدن از، حاصل شدن از	The file cabinet is over there in the corner.	قفسه پرونده‌ها در همان گوشه است.
Failure	فقدان، نقصان، عدم، کوتاهی	Order	ترتیب، نحوه قرار گرفتن
Far	دور، دوردست	Grove	باغ میوه
Ahead	جلو، رو به جلو	Capitol	کاخ کنگره (در واشنگتن)
Many accidents result from failure to look far enough ahead.	بسیاری از تصادفات از عدم نگاه کردن به اندازه کافی به دوردست روبرو است.	Symbol	نماد، نشانه، سمبل
		Symbolize	نماد یا نشانه چیزی بودن



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206

Tags: American Language Course, UNIT 2206, Glossary

At the top of the Capitol is a statue symbolizing Liberty.	در بالای کاخ کنگره مجسمه‌ای به نشانه آزادی قرار دارد.	Rack	جای مخصوص چیزی، طاقچه، رف
Around the corner	در نزدیکی، همین دور و بر	Tool box	جعبه ابزار
Around the corner from here is the public library.	کتابخانه عمومی در نزدیکی اینجا است.	File	پرونده، زونکن مدارک
Rubber	لاستیک، کائوچو	Cabinet	کابینت، قفسه
Insulate	عایق بندی کردن، روکش کردن (سیم)	Asbestos	پنبه نسوز، نخ نسوز
Insulating material	ماده عایق	Asbestos wall	دیواره نسوز، لایه‌ای از مواد نسوز و عایق که در پشت موتور خودرو و جلوی کابین نصب می‌شود و مانع انتقال حرارت موتور به داخل اتاق خودرو می‌شود.
Give	گرفتن (امتحان)	The asbestos wall is in the back of the engine.	دیواره‌ی نسوز پشت موتور است.
The examination will be given at eight o'clock.	امتحان رأس ساعت ۸ گرفته خواهد شد.	Release	رها کردن، آزاد کردن
Brick	آجر	The emergency release button is behind the seat.	دکمه‌ی آزاد سازی اضطراری پشت صندلی است.
Papers	اوراق، مدارک	Flight line	بخشی از فرودگاه که در آن هواپیماها را تعمیر می‌کنند. تعمیرگاه هواپیما
Those papers should be corrected immediately.	آن اوراق باید فوراً تصحیح گردند.	Generate	تولید کردن
Trash	آشغال، زباله	Generator	مولد برق، موتور برق، ژنراتور
Broadcast	پخش رادیویی یا تلویزیونی	Convert	تبدیل کردن
Thoroughly	بطور کامل	Resist	مقاوم بودن، مقاومت کردن
Instruction	دستورالعمل	The asbestos wall can resist fire.	دیواره نسوز می‌تواند [در برابر] آتش مقاوم باشد.
Manual	کتابچه راهنما، دفترچه	Magnesium	فلز منیزیم
Edition	ویراست، ویرایش	The wings will be built of magnesium.	بالهای هواپیما از منیزیم ساخته خواهند شد.
Loss	از بین رفتن، از دست دادن	Emphasize	تأکید کردن، خاطر نشان کردن
Ladder	نردبان	Mal	پیشوند به معنی «بد» و «غلط»
Measure	اندازه گیری کردن، اندازه به خصوصی بودن	Malfunction	سوء عملکرد، بد کار کردن
This ladder measures ten feet.	[اندازه] این نردبان ۱۰ فوت (تقریباً ۳ متر) است.	Failure	شکست، خرابی
Story	طبقه ساختمان	A malfunction can cause engine failure.	بد کار کردن می‌تواند باعث خرابی موتور شود.
Acre	واحد اندازه گیری زمین معادل ۴۰۴۷ متر مربع، جریب فرنگی	yardstick	میله یا چوب مدرج به طول یک یارد
Plot	قطعه، قواره، کرت	Rule = Ruler	خط کش
Land	زمین، سرزمین	This is a two-foot rule.	این یک خط کش دو فوتی (حدوداً ۶۰ سانتی متری) است.
Fifty-acre plot of land	قواره زمین ۵۰ جریبی		
Tag	برچسب		
Order	ترتیب، چینش		
Invert	معکوس کردن، وارونه کردن		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2200 – Student Glossary – UNIT 2206

Lesson No: 2206 **Tags:** American Language Course, UNIT 2206, Glossary

Dash دو سرعت، مسافتی که دوندگان در دو سرعت می‌دوند.

This dash is one hundred yards long. طول مسافت این دو سرعت صد یارد (حدوداً ۹۱ متر) است.

Volt ولت، واحد سنجش میزان اختلاف پتانسیل الکتریکی

Rod میله

This rod measures exactly 18 inches. اندازه‌ی این میله دقیقاً ۱۸ اینچ است.